



A Legal Analysis of the Right's Time Span and its Uses in the Commerce Law

Ahad Gholizadeh Manghutay ✱



Associate Professor at the
Department of Law, Faculty of
Administrative Sciences and
Economics, University of
Isfahan, Isfahan, Iran

1. Purpos

In various articles of Commerce Act use of some rights are limited to a particular period, without determining whether that period is lapse of time or not. For example, issuance of a merchant's bankruptcy judgment who has died in a bankruptcy state, revocation of transactions prior to merchant's stoppage of payment if include extensive loss, asking annulment of executive manager or director's board members' transactions with company, and asking judgment against endorsers and their sureties for payment of special commercial documents depend on adhering a defined period or some periods. Besides, only in a special period consignee can set up and demand for non-apparent damages and petition for dissolution of a general, proportional or limited partnership

✱ Corresponding Author: gholizadeh@ase.ui.ac.ir

How to Cite: Gholizadeh Manghutay, A. (2024). A Legal Analysis to the Right's Time Span and Its Uses in the Commerce Law. *Private Law Research*, 12 (46), 139-144. 10.22054/PLR.2024.2478917.2829

which one of its partners has died or incapacitated depends on disagreement with company's continuance within a fixed period. If all above periods were lapse of time we could not obey any of them because Guardian Council has abrogated lapse of time in civil matters (including commercial matters). This experimental research analysis shows that lapse of time is for a manner in which right principally exists legally and flows but Legislature setting period prevents its flow whereas in some of above cases right is created exceptionally and within that particular period (span of time). So, latter cases are not lapse of time and must be adhered. Right's time span in comparison to laps of time has particular rules and has been used by the legislator abundantly and in different situations. Distinguishing these two from each other reveals other scientific points too.

2. Methodology

In this descriptive analytical research paper which is the result of the author's scientific experience, after explaining how to differentiate time lapse from the time span of right, an example for time lapse and examples for the time span of right is given. In the continuation, similarities and differences of lapse of time and the time span of right are raised and examples are presented for preliminary cases.

3. Findings & Conclusion

This descriptive research analysis seeks to prove that not all of the above periods are time lapses, but some of them are "right's time span". The cases analyzed from the right's time span in the article's text are examples and the actual number of cases of right's time span within the Commerce Act and the Acts surrounding it, such as the bill amending

the Commerce Act of 1968, are not limited to these cases only. There exists a clear criterion, i.e., the principality or exceptionality of the existence and flow of the right subjected to period, to distinguish the time lapse from the right's time span. In addition, the determination of the principality or exceptionality of the right as a diagnostic matter does not lack a scientific criterion.

The lapse of time and the right's time span are similar in terms of the effect of a justified excuse on their actions, but they differ in terms of being under the supervision of the Guardian Council, being of a short or long period, and abrogating or not abrogating the right. The distinction between these two leads to the clarification of other facts, as stated in the text: for example, regarding the inclusion of the Guardian Council's opinion on Acts other than the Civil Procedure Act, such as the Commerce Act; possibility of conditioning the contract to lapse of time; possibility of bankruptcy of a real or legal merchant who was stopped from payment at the time of leaving the business or being insolvent; principle possibility of bankrupting a merchant whose assets have been divided normally after death, dissolution, etc.; possibility of bankrupting a dissolved company; inclusion of a transaction with the intention of escaping from debt with a transaction with the intention of harming creditors; recognition of the conditions of termination of the transaction involving gross embezzlement before the bankrupt merchant is stopped of payment; possibility of cancelling the transaction approved by the general assembly by the beneficiary; deeming the issuer of the commercial document who has delivered the amount of the document to the assignee or the assignee has accepted the document (in the case of the bill of exchange) as endorser; principality of the liability of the guarantor of the main responsible person for the commercial document compared to the liability of the

endorser and his guarantor; Considering the period of the capacity for survival or establishment of the right in cases such as claim of the third party objection, claim of the negation of the child, and claim of the liability against the insurer; possibility of considering a justifiable excuse for the right's time span; considering the period of protection of material intellectual property rights as the right's time span; and the diagnosis of the presumption related to the time of the appearance of the invisible defect.

Keywords: Lapse of time, Commerce Act, Right's time span, A period of time



تحلیل حقوقی ظرف زمانی حق و کاربردهای آن در حقوق تجارت

دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان،

احد قلی زاده منقوای * 

اصفهان، ایران

چکیده

در مواد متعددی از قانون تجارت استفاده از بعضی حقوق محدود به مدت خاصی است بدون اینکه قانونگذار مشخص کند که آن مدت مرور زمان است یا خیر؛ برای نمونه، صدور حکم ورشکستگی تاجری که حین الفوت در حال ورشکستگی بوده، فسخ معاملات قبل از توقف تاجر که متضمن غبن افحش بوده، درخواست ابطال معاملات مدیرعامل یا عضو هیئت مدیره با شرکت، و درخواست محکومیت ظهرنویسان و ضامنان آنان به پرداخت وجه سند تجاری خاص، منوط به رعایت مدت یا مدت‌های معینی شده است. علاوه بر آنها، فقط در مدت معینی مرسل‌الیه می‌تواند خسارات آواری غیرظاهر را مطرح و مطالبه کند، و درخواست اعلام انحلال شرکت تضامنی، نسبی، یا مختلط غیرسهامی که یکی از شرکای آن مرحوم یا محجور شده منوط به عدم موافقت با بقای آن در مدت مشخصی است. اگر همه مدت‌های فوق، مرور زمان باشند به هیچ کدام از آنها نباید اهمیت داد چون شورای نگهبان، مرور زمان را در امور مدنی (به‌طور اعم شامل امور تجاری) ملغی کرده است. این تحلیل تحقیقی-توصیفی نشان می‌دهد که مرور زمان برای حالتی است که حق طبق قانون به‌طور اصولی موجود و قابل جریان باشد ولی قانونگذار با طرح مدت، جلوی جریان حق را گرفته باشد. اما، در بعضی از موارد فوق‌الذکر حق به‌طور استثنایی و تنها برای مدت (ظرف زمانی) خاصی ایجاد شده است. بنابراین، موارد اخیرالذکر مرور زمان نیستند و باید رعایت شوند. ظرف زمانی حق در مقایسه با مرور زمان دارای احکام خاصی است و به‌وفور و در موقعیت‌های مختلف از سوی قانونگذار استفاده شده است. تشخیص این دو از یکدیگر باعث آشکار شدن نکات علمی دیگری نیز شده است.

کلیدواژه‌ها: ظرف زمانی حق، قانون تجارت، مرور زمان، مهلت.

مقدمه

قانون تجارت (ق.ت.) در مواد متعددی استفاده از بعضی حقوق را محدود به مدت خاصی کرده است بدون اینکه مشخص کند آن مدت مرور زمان است یا خیر؛ برای مثال، طبق قانون حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال ورشکستگی بوده است تا یک سال بعد از فوت او می‌توان صادر کرد. در نتیجه، این سؤال مطرح می‌شود که آیا همه مدت‌های فوق و مدت‌های مشابه، همگی مرور زمان هستند؟ اگر این‌طور باشد به هیچ کدام از آن مدت‌ها نباید اهمیت داد چون شورای نگهبان مرور زمان را در امور مدنی (به‌طور اعم شامل امور تجاری) ملغی کرده است. آیا چیز دیگری غیر از مرور زمان در این مورد قابل تصور است؟ آن چیست و چگونه می‌توان آن را از مرور زمان تشخیص داد؟ در پاسخ، این تحلیل تحقیقی-توصیفی در صدد اثبات این امر است که همه مدت‌های فوق مرور زمان نیستند بلکه، بعضی از آن مدت‌ها «ظرف زمانی حق» هستند.

در این مقاله تحلیلی تحقیقی-توصیفی که حاصل تجارب علمی نویسنده است بعد از تبیین نحوه تفکیک مرور زمان از ظرف زمانی حق، موردی قانونی برای مرور زمان و مواردی قانونی برای ظرف زمانی حق مطرح می‌شود. در ادامه، تشابهات و تفاوت‌های مرور زمان و ظرف زمانی حق واکاوی شده و مثال‌هایی برای مواردی مقدماتی ذکر می‌شوند.

۱. نحوه تفکیک مرور زمان از ظرف زمانی حق

در ق.ت. موادی وجود دارند که در آنها مدتی تعیین شده است بدون اینکه مشخص شده باشد آن مدت مرور زمان است یا خیر. بنابراین، فرض این مقاله بر آن است که آن مدت مرور زمان خواهد بود. اگر حق ذکر شده برای آن مدت، در آن ماده یا مواد پیرامون آن، آن گونه که در متن مقاله توضیح داده شده و برای آن مثال زده می‌شود، به‌طور اصولی وجود داشته و قابل جریان باشد ولی قانونگذار با طرح مدت (مرور زمان) جلوی جریان حق را گرفته باشد. این وضعیت در مواد ۹۹، ۱۰۱، ۲۱۹، ۳۱۸، و ۳۹۳ ق.ت. که صراحتاً مرور زمان را مطرح کرده‌اند، هم قابل مشاهده است. حق موضوع همه این مواد، حقی است که اگر مرور زمان مانع نمی‌شد آن حق به‌طور اصولی باقی می‌ماند و جریان می‌یافت.

اما، مدت ذکرشده در قانون، مرور زمان نبوده بلکه ظرف زمانی حق خواهد بود اگر حق ذکرشده برای آن مدت، در آن ماده و مواد پیرامون آن، به‌طور اصولی وجود و جریان نداشته بلکه به‌طور استثنایی و تنها برای استفاده در آن مدت (ظرف زمانی) ایجاد شده باشد. برخلاف مرور زمان، مدت مطرح‌شده اگر ظرف زمانی حق باشد مشمول منع شورای نگهبان نبوده، ملغی شده تلقی نمی‌گردد و باید به‌طور دقیق رعایت شود و به هیچ‌وجه قابل تطویل هم نخواهد بود. مثال‌های قانونی که مطرح شده‌اند قابل قبول بودن این فرض را ثابت می‌کنند.

اینکه بعضی^۱ گمان می‌کنند مرور زمان در ق.ت. و قانون بیمه^۲ هنوز پابرجاست، یا بعضی^۳ معتقدند شورای نگهبان فقط مرور زمان را در قانون آیین دادرسی مدنی (ق.آ.د.م.) ملغی کرده است، تاجایی که ایراد مرور زمان هم از میان ایرادات مندرج در آن قانون برداشته شده و این ممنوعیت به سایر قوانین از جمله قانون تجارت، قابل سرایت نمی‌باشد آن‌گونه که دیگران^۴ هم نظر داده یا مطرح کرده‌اند؛ مورد قبول نیست. چون مواد مورد بحث همگی گرچه در ق.ت. یا قانون دیگری قرار گرفته باشند از مقررات آیین دادرسی مدنی هستند و امکان یا عدم امکان دادخواهی را مطرح می‌کنند. درواقع، هیچ دلیلی برای در نظر گرفتن چنین دوگانگی‌ای وجود ندارد.

در این باره، نظریه شماره ۳۵۰۶ مورخ ۱۳۷۱/۰۵/۱۲ آن شورا درباره عدم شمول اطلاق نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ شورای نگهبان راجع به دعوی اشخاص حقیقی

۱. عبدالملکی، مهدی؛ «اوصاف اسناد براتی در نظریه‌های حقوقی»، مجله حقوقی دادگستری ۷۴، شماره ۶۹ (۱۳۸۹): ۱۵۵-۱۱۷، ص ۱۲۲.

۲. معزی، جعفر؛ «بررسی مرور زمان در بیمه‌های بازرگانی»، پژوهش بیمه ۲۷، شماره ۴ (۱۳۹۱): ۹۷-۱۱۲، ص ۹۷؛ و شوشتری، سید محمد حسن ملائکه‌پور، و ناهید بنی‌رشید. «تحلیلی بر ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶»، پژوهشنامه بیمه ۳۰، شماره ۲ (۱۳۹۴): ۱۸۹-۲۲۰، ص ۱۹۳.

۳. حسینی، حسن؛ حقوق تعاونیه. (تهران: سمت، ۱۴۰۲)، ص ۳۶۴؛ (شمس، عبدالله. آیین دادرسی مدنی. جلد ۳. تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۵)، ص ۱۵ و اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت؛ کلیات، معاملات تجاری، تجارت و سازماندهی فعالیت تجاری. (تهران: انتشارات سمت، ۱۴۰۲ ب)، ص ۱۳۸.

۴. کاویانی، کورش؛ حقوق اسناد تجاری. (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۱)، ص ۱۹۶.

۵. فروزنده‌مهر، علیرضا؛ محشای قانون تجارت. (تهران: انتشارات جاودانه، ۱۳۹۶)، ص ۲۵۱.

یا حقوقی که در قوانین و مقررات کشورشان مرور زمان پذیرفته شده است نیز فقط در دعاوی اشخاص خارجی و آن گونه که بعضی^۱ ابراز کرده‌اند، در اجرای معاهدات بین‌المللی مورد الحاق ایران کاربرد دارد، و به هیچ وجه مخالف استنباط فوق نیست. درواقع، دقت در استدلال‌هایی که بعضی^۲ مطرح کرده‌اند، نشان می‌دهد عدم تفکیک موارد مرور زمان از موارد ظرف زمانی حق از عللی است که باعث شده عده‌ای استدلال کنند که نظر شورای نگهبان شامل سایر قوانین نشده است.

در این باره مواردی وجود دارند که صراحتاً در ق.ت. یا سایر قوانین به عنوان مرور زمان مطرح شده‌اند. تردیدی نیست آن گونه که دیگران^۳ هم توجه داشته‌اند، آن موارد همگی مرور زمان هستند و موضوع بحث این تحلیل تحقیقی-توصیفی نیستند. در این باره، به نظر قابل قبول می‌رسد، همان‌طور که بعضی^۴ مطرح کرده‌اند بتوان مرور زمان را به‌طور قراردادی نیز میان طرفین شرط کرد.

به عنوان مثالی برای مرور زمان، با توجه به آنچه در فوق گفته شد این بحث مطرح است که یک سال ذکر شده در مقررۀ قانونگذار دربارهٔ اینکه حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از فوت او می‌توان صادر کرد، مرور زمان است یا ظرف زمانی حق؟ درواقع سؤال این است که حق ورشکسته کردن تاجری که حین الفوت در حال توقف بوده، حقی اصولی است یا استثنایی؟ اگر آن حق، به نحو توضیح داده شده در بند بعدی، اصولی و اصولاً قابل جریان بوده و این مقررۀ جلوی جریان آن را گرفته باشد پس یک سال مزبور مرور زمان است، ولی اگر آن حق اصولاً وجود نداشته و قانونگذار آن را استثنائاً و برای این محدودهٔ زمانی خاص پدید آورده باشد، باید آن را ظرف زمانی حق تلقی کرد.

۱. حمیدی، حسین، سید محمد صادق حسینی، و سیده الهه حسینی؛ «مطالعه تطبیقی جایگاه مرور زمان در مطالبه خسارت در حمل و نقل هوایی»، پژوهشنامه حمل و نقل، ۱۶، شماره ۵۹ (۱۳۹۸): ۱۰۷-۱۱۷، ص ۱۱۵.

۲. معزی ۱۳۹۱: ص ۱۰۴.

۳. فروزنده مهر ۱۳۹۶: ص ۳۳۶؛ اسکینی، ربیعا؛ «ماهیت و شرایط مسئولیت ضامن چک در حقوق ایران»، فصلنامه حقوق، ۳۹، شماره ۲ (۱۳۸۸): ۷۳-۸۹، ص ۸۸؛ و حسینی، حسن. حقوق تجارت. (تهران: میزان، ۱۳۸۹)، ص ۵۶۴.

۴. عباس تبار فیروزجاه، مجید، و علی روحی زاده کیکانلو؛ «شرط تحدید زمانی دعوی مسئولیت». مجله حقوقی دادگستری ۷۹، شماره ۸۹ (۱۳۹۴): ۱۰۵-۲۲۲، ص ۱۰۵؛ و معزی ۱۳۹۱: ص ۱۰۵.

برای تشخیص اصولی بودن از استثنایی بودن حق، باید دید اگر ماده مورد بحث را نداشتیم آن حق همچنان وجود داشت یا خیر؟ آن حق، اگر علی‌رغم نبود آن ماده، وجود داشت حقی اصولی و درغیراین صورت حقی استثنایی خواهد بود. بنابراین اصولی یا استثنایی بودن امری تشخیصی است نه تعیینی. به نظر می‌رسد مقررۀ مورد بحث در اینجا اصولی است؛ یعنی ما بدون داشتن آن مقررۀ هم حق داشتیم تاجر متوقف را ورشکسته کنیم اعم از اینکه در قید حیات بوده یا نبوده است. قانونگذار علی‌رغم فوت تاجر، حق اقامۀ دعوی ورشکستگی را داده است. ممکن است شک کنیم که آیا فوت تاجر مانع از جریان این حق شده است؟ در پاسخ، از اصل استصحاب کمک می‌گیریم و معتقد می‌شویم که قاعدتاً فوت تاجر مانع جریان این حق نمی‌شود و همچنان تاجر مزبور قابل ورشکسته شدن خواهد بود (مطابق ق.آ.د.م. تا وقتی ماترک تقسیم نشده دعوی بر میت صحیح است) تا جایی که اگر تاجر فوت نکرده بلکه محجور شده یا ترک تجارت کرده بود نیز اگر درحین محجور شدن یا آن‌گونه که دیگران^۱ هم نظر داده‌اند، ترک تجارت، متوقف بود و حق ورشکسته کردن او محفوظ بود. همان‌طور که ملاحظه می‌کنند حجر تاجر هم لاجرم به ترک تجارت منجر می‌شود چون حجر مانع از انجام معاملات معمول به وسیلۀ تاجر بوده به طریق اولی مانع از تجارت ازسوی او هم خواهد بود. البته، تاجر محجور به کمک ولی خود می‌تواند به تجارت ادامه دهد اما، تصمیم‌گیری دربارهٔ ادامۀ تجارت با ولی مزبور خواهد بود نه با تاجر محجور.

به عبارت بعضی^۲، لازم نیست تاجر در هنگام اعلام ورشکستگی همچنان تاجر باشد. مخصوصاً به این خاطر که یکی از اهداف اصلی ورشکستگی آن‌گونه که دیگران^۳ هم توجه داشته‌اند و برخلاف آنچه در کامن‌لا^۴ معمول است، رعایت غبطۀ طلبکاران از طریق تبدیل شدن تصفیۀ عادی یعنی تصفیۀ طولی و اولویتی، به تصفیۀ ورشکستگی یعنی تصفیۀ

۱. انوریپور، محسن؛ ورشکستگی در حقوق ایران. (تهران: نشر بابک، ۱۳۵۳)، ص ۲۴؛ و زنگنه، عبدالحمید اعظمی.

حقوق بازرگانی. (تهران: بی‌نام، ۱۳۵۳)، ص ۳۲۴.

۲. ستوده، حسن؛ حقوق تجارت. جلد ۴. (تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۵۰)، ص ۱۰۸.

۳. راستین، منصور؛ حقوق بازرگانی. (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۱)، ص ۴۳۸.

۴. Martin, Nathalie, and Ocean Tama. *Inside Bankruptcy Law: What Matters and Why*. (New York: Aspen Publishers, 2011), p 13.

عرضی و نسبی است و قاعداً نباید فوت، حجر، یا ترک تجارت تاجر متوقف، حقوق اشخاص ثالث یعنی طلبکاران را متأثر کند. بنابراین، یک سال مورد بحث را باید مرور زمان تلقی کرد و آن را مشمول منع شورای نگهبان دانست، و علی‌رغم بی‌توجهی بعضی^۱ به این موضوع، به آن اهمیت ندهیم.

در نتیجه، حکم ورشکستگی تاجری را که حین فوت در حال توقف بوده باشد را حتی بعد از گذشت یک سال از فوت او نیز می‌توان صادر کرد. همچنین است اگر تاجر ترک تجارت کرده یا محجور شده باشد. حتی می‌توان گفت در این باره فرقی میان تاجر حقیقی و تاجر حقوقی نیز نخواهد بود؛ یعنی، شرکت تجاری را هم اگر در حین انحلال متوقف باشد می‌توان بدون در نظر گرفتن محدودیت یک‌ساله گفته شده، بعد از انحلال، ورشکسته اعلام کرد. درباره شرکت های تجاری اعم از اینکه مجاز به اشتغال به امور غیر تجاری بوده یا نبوده باشند، هم ترک تجارت، به عبارت بهتر ترک اشتغال، می‌تواند مصداق داشته باشد ولی حجر در اینجا درباره آنها مصداق نخواهد داشت.

مقرر مزبور منصرف است از اینکه قبل از صدور حکم ورشکستگی، دارائی تاجر متوفایی که در حین فوت متوقف بوده است تقسیم شده یا نشده باشد. یعنی حتی اگر بعد از فوت تاجر متوقف، دارائی او به صورت عادی تصفیه شده باشد باید آن تصفیه را باطل اعلام کرد، دارائی تقسیم شده را استرداد کرد، و آن را مطابق تصفیه ورشکستگی مجدداً تقسیم کرد. البته در این باره ق.ت. ورشکسته کردن شرکت تضامنی و به تبع آن شرکت نسبی را بعد از انحلال آن، در صورتی ممکن می‌داند که دارایی شرکت تقسیم نشده باشد. در نتیجه، با توجه به مطالب گفته شده آن گونه که دیگران^۲ هم نظر داده‌اند، باید مقرر اخیر را علی‌رغم نظر بعضی^۳ استثنایی و فقط مختص به انحلال شرکت های تضامنی و نسبی

۱. عبدیپور فرد، ابراهیم؛ حقوق تجارت، جلد چهارم، حقوق ورشکستگی. (تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۴۰۳)، ص ۵۵؛ صقری، محمد؛ حقوق بازرگانی، ورشکستگی، نظری و عملی. (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶)، ص ۷۱؛ اسکینی، ربیعا؛ حقوق تجارت - ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته. (تهران: سمت، ۱۴۰۲ الف). ص ۲۴؛ و عرفانی، محمود؛ حقوق تجارت - ورشکستگی شرکتها و تجار. جلد ۳. (تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶)، ص ۵۴.

۲. عبدیپور فرد ۱۴۰۳: ص ۷۰.

۳. حسنی ۱۳۸۹: ص ۶۱۴.

تلقی کرد. توجه داشته باشند که در اینجا «استثناء» برای تشخیص نوع حق محدود شده با زمان در نظر گرفته نشده است. بنابراین، در سایر شرکت‌ها، از جمله در شرکت‌های مختلط سهامی و غیرسهامی، اگر شرکت در حین انحلال یا ترک تجارت متوقف بوده، حتی اگر دارایی آن بعد از انحلال علی‌رغم تردید بعضی، تصفیه عادی شده باشد، آن تصفیه باید باطل گردیده، دارایی شرکت تصفیه ورشکستگی گردد. اینکه شرکت با انحلال شخصیت خود را از دست داده، مانع از این امر نیست، همان‌طور که به صراحت قانون، فوت تاجر حقیقی مانع از ورشکسته کردن او نیست. به نظر می‌رسد استناد کردن شرکت‌های تضامنی و نسبی به این دلیل است که در سایر شرکت‌ها، یعنی شرکت‌هایی که دارای شریک با مسئولیت محدودند، محتمل است انحلال و تصفیه عادی به نفع شرکای مزبور شود در حالی که در شرکت‌های تضامنی و نسبی همه شرکا ضامنند و عادی یا ورشکستگی تصفیه نفع خاصی برای آنها نخواهد داشت.

آنچه درباره ابطال تقسیم عادی بعد از فوت تاجر حقیقی متوقف گفته شد دیگر کاربرد ندارد چون مطابق قانون امور حسبی دارایی هر تاجر حقیقی، اعم از اینکه در حین فوت در حال توقف بوده یا نبوده باشد، تصفیه ورشکستگی می‌شود. البته این مقرر استثنایی است و قابل تسری به تصفیه دارایی تاجر حقوقی نیست.

۲. موارد قانونی ظرف زمانی حق

موارد فراوانی در قانون وجود دارند که به نظر می‌رسد ظرف زمانی حق هستند. تعدادی از آن موارد در ذیل، مورد بحث و تحلیل واقع شده‌اند. این موارد عبارتند از: درخواست فسخ معامله متضمن غبن افحش قبل از توقف تاجر ورشکسته، درخواست ابطال معاملات مدیرعامل یا اعضای هیئت مدیره با خود، و درخواست محکومیت ظهرونیسان و ضامنان ظهرونیسان اسناد تجاری. توضیحی هم درباره موارد مشابه داده شده است.

۱. خواجه‌پیری، عباس؛ حقوق تجارت؛ انحلال و تصفیه شرکت‌های تجاری. (تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹)،

۲،۱. درخواست فسخ معامله متضمن غبن افحش قبل از توقف تاجر ورشکسته به عنوان مثال اول، قانونگذار در ق.ت. معاملات قبل از توقف تاجر ورشکسته را که متضمن ضرری بیش از یک چهارم قیمت موضوع معامله باشد تا دو سال بعد از معامله از سوی مدیر تصفیه یا طلبکاران قابل درخواست فسخ دانسته است. پس این سؤال ایجاد شده است که دو سال گفته شده مرور زمان است یا خیر؟ به عبارت دیگر محدوده دو سال مزبور باید رعایت شود یا، با تحولات بعد از انقلاب، نیازی به رعایت آن نیست؟ برای پاسخ به این سؤال باید مشخص شود که حق موضوع آن دو سال استثنایی است یا اصولی. چون اصل بر آن است که معاملات قبل از توقف تاجر صحیح و غیر قابل فسخ هستند مگر اینکه قابل فسخ بودن یا باطل بودن آنها ثابت شود پس حق مزبور حقی استثنایی است. حتی اگر حق فسخ مندرج در آن مقرر از حق فسخ های معین بود، باز هم نمی شد آن را اصولی تلقی کرد چون همان گونه که گفته شد در مقام شک، اصل بر نداشتن حق فسخ است مگر اینکه داشتن آن ثابت شود. ولی حق فسخ مورد بحث از حق فسخ های معین نبوده و تافته ای جدا بافته است. گرچه آن حق فسخ از نظر مقدار ضرری که به ورشکسته وارد شده، شبیه به خیار غبن و با توجه به معیار در نظر گرفته شده یعنی یک چهارم قیمت، شبیه به غبن افحش است ولی حتی از این نظر هم به شرح زیر استثنایی است:

مطابق مقررۀ قانونی، برخلاف خیار غبن، اولاً این حق فسخ مختص تاجر ورشکسته است و شامل طرف مقابل او نمی شود. البته در این مورد فرقی نمی کند که تاجر در جایگاه خریدار یا فروشنده باشد یعنی ثمن را زیاد پرداخته یا آن را کم دریافت کرده باشد. ثانیاً معامله موضوع این حق فسخ باید به قصد اضرار به طلبکاران یا به قصد فرار از دین باشد. در این باره به نظر می رسد علی رغم نظر بعضی، هر معامله به قصد فرار از دینی به قصد اضرار به طلبکاران نیز خواهد بود ولی هر معامله به قصد اضرار به طلبکاران لزوماً به قصد فرار از دین نخواهد بود. یعنی یکی از وسایل اضرار به طلبکاران معامله به قصد فرار از دین خواهد بود. مثلاً ممکن است تاجر با رعایت صرفۀ اقتصادی کالاهایی را به طور نسیه بلند مدت فروخته باشد، چنین معامله ای به قصد فرار از دین نیست ولی باعث ضرر طلبکاران

۱. تفرشی، محمد عیسی؛ «اثر حکم ورشکستگی نسبت به معاملات تاجر ورشکسته با توجه به اصول و مبانی قانون مدنی».

می‌شود چون طلبکاران برای وصول طلب خود از محل اقساط ثمن آن معامله باید مدت زیادی انتظار بکشند. همچنین ممکن است تاجر کالایی را به یکی از طلبکاران خود بفروشد و طلب آن طلبکار با ثمن معامله تهاتر شود ولی سایر طلبکاران از ثمن معامله مزبور برای وصول طلبشان محروم شوند. درواقع معاملات تاجر استثنائاً برای اضرار طلبکارهاست و از میان آن موارد استثنایی، فقط بعضی معامله به انگیزه فرار از دینند.

ثالثاً مطابق اطلاق مقررۀ قانونی، حتی علی‌رغم رضایت تاجر ورشکسته، صرف نظر کردن او از خیار غبن، و انجام معامله با علم به کم بودن افحش قیمت فروش یا زیاد بودن افحش قیمت خرید، چنین حق فسخی برای مدیر تصفیه وجود خواهد داشت. رابعاً چنین حق فسخی تا دو سال بعد از انجام معامله قابل استفاده است درحالی که خیار غبن از خیاراتی است که به محض اطلاع، فوراً باید اعمال گردد. خامساً برای اعمال خیار اصولاً به دادگاه رجوع نمی‌کنند و اگر هم مراجعه‌ای بشود برای تأیید اعمال خیار است درحالی که جز با حکم دادگاه، خیار مورد بحث قابل اثبات و اعمال نیست. سادساً اصولاً پرداخت مابه‌التفاوت قیمت به وسیله طرف مقابل موجب سقوط خیار نیست ولی در این مورد پرداخت مابه‌التفاوت مانع از اعمال چنین خیاری است. استثنایی بودن مفاد ماده مورد بحث آن گونه که دیگران هم نظر داده‌اند، مانع از آن است که علی‌رغم نظر بعضی،^۱ بتوانیم آن را به معاملات بلاعوض نظیر هبه، نیز سرایت داده یا علی‌رغم نظر بعضی،^۲ آن را به معاملات بعد از تاریخ توقف تاجر هم سرایت بدهیم. منظور این نیست که در فاصله توقف تا ورشکستگی، سایر حق فسخ‌ها هم موجود و اعمال نمی‌شوند. بنابراین، علی‌رغم بی‌توجهی بعضی،^۳ و علی‌رغم نظر بعضی،^۴ دو سال مزبور مرور زمان نبوده بلکه ظرف زمانی حق است و قابل افزایش نمی‌باشد.

۱. انوریپور ۱۳۵۳: ص ۷۸ و عرفانی ۱۳۶۶: ص ۱۳۳.

۲. ستوده ج ۴: ۱۳۵۰: ص ۱۷۸ و صقری ۱۳۸۶: ص ۳۰۱.

۳. انوریپور ۱۳۵۳: ص ۸۷.

۴. عبدیپورفرد ۱۴۰۳: ص ۵۵.

۵. عرفانی ۱۳۶۶: ص ۱۳۱ و اسکینی، ۱۴۰۲ الف، ص ۷۲.

در مورد فوق، آن گونه که دیگران هم ابراز کرده‌اند، قانوناً معامله به انگیزه فرار از دین نباید با تبانی با طرف مقابل باشد؛ درغیراین صورت معامله باطل خواهد بود و امکان اعمال این مقررہ وجود نخواهد داشت.

۲,۲. درخواست ابطال معاملات مدیرعامل یا اعضای هیئت مدیره با خود

به عنوان مثال دوم، قانونگذار در میان معاملات ممنوعه مدیران و مدیرعامل در شرکت‌های سهامی، معاملات آنها را با خود مطرح کرده است. به این صورت که اگر هر یک از اعضای هیئت مدیره یا مدیرعامل شرکت به طور مستقیم یا غیرمستقیم، با یا بدون استفاده از وکیل، طرف معامله شرکت یا طرف معاملاتی که به حساب شرکت می‌شود قرار گیرد چنین معامله‌ای علی‌رغم نظر بعضی، مطابق قانون اصولاً صحیح، اصولاً منجر به مسئولیت، و در نهایت قابل ابطال خواهد بود. ابطال چنین معاملاتی را از دادگاه تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورت مخفیانه انجام شدن آن، تا سه سال از تاریخ کشف انعقاد معامله می‌توان درخواست کرد.

این سؤال مطرح می‌شود که آیا سه سال درج شده در این مورد مرور زمان است یا ظرف زمانی حق؟ پس باید دید حق موضوع این مدت اصولی است یا استثنایی؟ در پاسخ، همان گونه که از مفاد مقررہ مزبور هم برمی‌آید چنین معامله‌ای اصولاً صحیح است مگر اینکه شرکت با رعایت شرایطی بخواهد دادخواست بدهد و از طریق دادگاه آن را باطل کند. بنابراین، این حق هم استثنایی است. این استثنا محدوده وسیعی ندارد چرا که برای اعمال آن نه تنها مخالفت هیئت مدیره شرکت با آن معامله بلکه مخالفت مجمع عمومی شرکت نیز مورد نیاز است. همچنین، حتی با مخالفت مجمع عمومی عادی و هیئت مدیره

۱. قلی‌زاده منقوای، احد؛ «تحلیل وضعیت حقوقی انواع معاملات صوری و با تبانی ورشکسته؛ عدم هماهنگی کامل موجبات بطلان معاملات ورشکسته با موجبات به تقصیر شدن ورشکستگی». «دانشنامه حقوق اقتصادی» ۲۹، شماره ۲۱ (۱۴۰۱): ۱۲۹-۱۰۷، ص ۱۲۱.

۲. ثابت سعیدی، ارسلان؛ حقوق تجارت (رشته‌های علوم اجتماعی و حسابداری). (تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۱)، ص ۱۵۱.

با آن، چه بسا دادگاه رأی به بطلان معامله ندهد. در نتیجه، علی‌رغم بی‌توجهی بعضی^۱ به این بحث، و علی‌رغم نظر بعضی دیگر^۲ سه سال مزبور مرور زمان نبوده و ظرف زمانی حق است. یعنی به محض اتمام سه سال مزبور، دعوی بطلان معاملات اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل با شرکت از سوی شرکت مسموع نبوده و قرار ردّ دعوا صادر خواهد شد.

البته در این مورد ممکن است برای مثال فرش صد میلیونی شرکت از سوی مدیرعامل به ده میلیون خریداری شده باشد، هیئت مدیره آن معامله را تصویب نکرده، ولی مجمع عمومی آن را تصویب کند و به این ترتیب نه بتوان از مدیرعامل معامله کننده خسارت گرفت و نه معامله را باطل اعلام کرد. در این صورت، به نظر می‌رسد هم سهامدارانی که در مجمع عمومی مزبور رأی منفی داده‌اند (اقلیت سهامداران) و هم طلبکاران شرکت، در باطل کردن این معامله ذی‌نفعند. در نگاه اول گمان می‌رود هر ذی‌نفعی به عنوان حقی اصولی می‌تواند بدون نیاز به رعایت مدت سه ساله مورد بحث از دادگاه درخواست ابطال این معامله را بکند. ولی بعد به نظر می‌رسد که لازمه چنین درخواستی، عدم رعایت مقررات قانونی در مورد این معامله در یکی از تصمیمات و عملیات شرکت است و ظاهراً طرح شدن موضوع در جلسات هیئت مدیره و مجمع عمومی به معنی آن است که مقررات قانونی در این باره به‌طور کامل رعایت شده است مگر اینکه مجمع عمومی از حدود اختیارات خود خارج شده باشد، مثلاً مقدار مالی که از آن گذشت می‌شود بیشتر از مقدار قابل گذشت به وسیله مجمع عمومی باشد.

اگر مدیرعامل فرش شرکت را به شرکت دیگری فروخته باشد که خودش در آن عضو هیئت مدیره است آن شرکت نیز در صورت ذی‌نفع بودن در ابطال معامله می‌تواند از دادگاه

۱. پاسبان، محمدرضا؛ حقوق شرکتهای تجاری. (تهران: سمت، ۱۴۰۲)، ص ۲۰۸؛ حیدرپور، البرز. محدودیتهای مدیران شرکتهای در انجام معاملات - مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس. (تهران: مه‌زیار، ۱۳۸۲)، ص ۵۷؛ صفی‌نیا، نورالدین؛ درآمدی بر قانون شرکتهای تجاری در ایران. (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱)، ص ۸۸ و اسکنی ۱۴۰۲ الف: ص ۱۶۰.

۲. محسنی، سعید؛ و سید محمد مهدی قبولی درافشان. «مفهوم و آثار بطلان نسبی». مجله دانش و توسعه ۱۷، شماره ۳۳ (۱۳۸۹): ۲۷۱-۲۴۵، ص ۲۵۳.

درخواست ابطال آن را بنماید. در این باره شرکت اول فقط تا وقتی حکم بدوی بطلان صادر نشده باشد حق خواهد داشت با رفع موجبات بطلان، جلوی ابطال معامله را بگیرد.

۲.۳. درخواست محکومیت ظهرنویسان و ضامنان ظهرنویسان اسناد تجاری

به عنوان مثال سوم، قانونگذار ضمانت ناشی از ظهرنویسی در اسناد تجاری خاص را ضمانت تضامنی ترتیبی (طولی) دانسته است؛ به این نحو، آن گونه که دیگران هم توجه داشته‌اند و در کامن‌لانیز معمول است، لازمهٔ مراجعه به ظهرنویسان و ضامنان آنها اول مراجعه کردن به مسئول اصلی آن سند است. بدیهی است در مورد برات نکول شده، سفته، و چک مسئول اصلی سند، صادرکنندهٔ آن خواهد بود در حالی که مسئول اصلی براتی که قبول شده یا دهندهٔ آن ثابت کرده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است آن گونه که دیگران هم توجه داشته‌اند، برات گیر خواهد بود. برای مراجعه به ظهرنویسان و ضامنان آنها آن گونه که در کامن‌لانیز معمول است، قانونگذار مدتی معین کرده است، به نحوی که قانوناً برای مطالبهٔ وجه برات و سفته و به عبارتی اعتراض عدم تأدیه، این مدت ۱۰ روز و برای مطالبهٔ وجه چک این مدت اصولاً پانزده روز از وعده در نظر گرفته شده است.

در مورد برات به رویت، این مدت یک سال از تاریخ صدور آن است. همچنین، لازمهٔ استفاده از چنین حقی آن است که اصولاً تا یک سال از تاریخ سند علیه ظهرنویسان و ضامنان آنها اقامهٔ دعوا شود. آن گونه که در کامن‌لانیز معمول است، برای مراجعه هر یک از ظهرنویسان بعدی به ظهرنویسان قبلی نیز مدت‌های مشابهی در نظر گرفته شده است. قانوناً اگر مدت‌های مقرر شده فوق رعایت نشوند دعوای دارندهٔ سند علیه ظهرنویسان و ضامنان آنها، و دعوای ظهرنویسان لاحق بر ظهرنویسان سابق پذیرفته نخواهد شد. در این باره، بعضی افراد در شرایط خاصی در حکم ظهرنویس بوده و ضامنان آنها در حکم

۱. کاویانی ۱۴۰۱: ص ۱۷۲.

۲. Mishra, Sukhvinder. *Banking Law and Practice*. (New Delhi: S. Chand & Company Ltd., 2012), p 560.

۳. فخاری، امیرحسین؛ «مسئولیت امضاکنندگان اسناد تجاری»، *مجله تحقیقات حقوقی* ۱۶-۱۷ (۱۳۷۵): ۳۷-۶۵، ص ۵۴.

۴. Ashcroft, John D., and Janet E. Ashcroft. *Law for Business*. (Ohio: Thomson Learning Inc., 2008), p. 267.

۵. Goldman, Arnold J., and William D. Sigismund. *Business Law: Principles and Practices*. (Ohio: South Western Cengage Learning Inc., 2010), p. 340.

ضامنان ظهرنویس خواهند بود؛ به این صورت که اگر صادرکننده چک ثابت کند که وجه آن را به محال علیه (معمولاً بانک) رسانیده است، یا برات دهنده ثابت کند که وجه برات را به محال علیه رسانیده، یا محال علیه برات را قبول کرده باشد بعد از انقضای مدت های گفته شده آن گونه که در کامن لاینز معمول است، اصولاً اقامه دعوا علیه هر یک از آنها نیز پذیرفته نخواهد شد مگر اینکه برای مثال، معلوم شود وجه پرداختی را مسترد داشته اند.

دوباره برای پاسخ دادن به این که مدت های فوق مرور زمان هستند یا ظرف زمانی حق، این سؤال مطرح می شود که حق مراجعه به ظهرنویس ها و ضامن های آنها، و صادرکنندگانی که در حکم ظهرنویس هستند و ضامن های آنها، اصولی است یا استثنایی؟ آن گونه که در رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ مورخ ۱۲/۰۲/۱۳۷۴ دیوان عالی کشور منعکس شده است، برخلاف مسئول اصلی سند و ضامن او که اصولاً مسئول تأدیه وجه سند هستند و این مسئولیت قابل جریان در طول زمان است، مسئولیت ظهرنویسان، ضامنان آنها، و افراد در حکم ظهرنویس و ضامنان آنها علی رغم نظر بعضی^۱، مسئولیتی اصولاً مختص به اسناد تجاری خاص بوده، استثنایی است و در موارد مشابه اساساً چنین مسئولیتی وجود ندارد. بنابراین، علی رغم بی توجهی نظری بعضی^۲ و نظر بعضی^۳، مدت های مربوطه نیز ظرف زمانی حق بوده، مرور زمان محسوب نمی شوند و لازم الرعایه هستند.

درواقع، یک مورد اصولاً درباره ضامن مسئول اصلی سند مطرح نیست؛ یعنی، آن گونه که دیگران در حقوق ایران، و بعضی در حقوق خارجی، هم ابراز کرده اند، برای اقامه دعوا علیه او نیازی نیست که مدت های مذکور در فوق درباره اعتراض عدم تأدیه و اقامه دعوا رعایت گردد. بی توجهی به این تفاوت ضامن مسئول اصلی سند با ظهرنویس و ضامن او، به مناقشات طولانی در میان اهل فن منجر شده است. با این حال، همان طور که

^۱ Ashcroft and Ashcroft 2008: p. 267.

^۲ عبدالملکی ۱۳۸۹: ص ۱۱۷.

^۳ اسکینی ۱۳۸۸: ص ۸۸.

^۴ کاویانی ۱۴۰۱: ص ۱۹۶.

^۵ صقری، محمد؛ «رأی وحدت رویه ردیف ۷۳/۴۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۷۴/۴/۶ و حدود مسئولیت ضامن در اسناد تجاری.» دیدگاه های حقوقی ۲، شماره ۸ (۱۳۷۶): ۲۳۴-۲۴۳، ص ۲۳۹.

^۶ Goldman and Sigismund 2010: p. 339.

بعضی نظر داده‌اند، دقت در مفاد مقررۀ قانونی مربوطه نشان می‌دهد که علی‌رغم عدم نیاز به رعایت ظرف زمانی حق درباره‌ی ضامن مسئول اصلی سند، رعایت ترتب در مراجعه به او ضروری است. یعنی برای مراجعه به ضامن مسئول اصلی سند باید اول به مسئول اصلی سند مراجعه شده و او از پرداخت امتناع کرده باشد یعنی باید علیه او اعتراض عدم تأدیه شده و گواهی عدم تأدیه گرفته شده باشد.

۲،۴. توضیح درباره‌ی موارد مشابه

به‌طور کلی لازم به توضیح است که باتوجه به آنچه که درباره‌ی ظرف زمانی حق گفته شد، می‌توان گفت مهلت‌های مندرج در ق.آ.د.م. و مهلت‌های مشابه که در سایر قوانین از جمله در ق.ت. ذکر شده‌اند هم اصولاً ظرف زمانی حق هستند. یعنی همان‌طور که از کلمات قانون نیز برمی‌آید مواردی مانند فرجام‌خواهی، واخواهی، و اعاده‌ی دادرسی همگی استثنایی هستند، در نتیجه قانونگذار برای اعمال هر یک از حق‌های مزبور ظرف زمانی خاصی را در نظر گرفته است.

درباره‌ی اعتراض ثالث هم می‌توان این‌گونه استدلال کرد چون اعتراض ثالث هم برخلاف آنچه در نگاه اول به نظر می‌رسد روشی استثنایی است. این نکته که قانونگذار برای اعتراض ثالث اصلی هیچ مهلتی مشخص نکرده است نباید در این باره باعث اشتباه شود. مهلتی نیز که برای اقامه‌ی دعوی اعتراض ثالث طاری در دادگاه صادرکننده حکم معین گردیده مهلتی برای امکان از سرگیری رسیدگی به دعوی است که اعتراض ثالث در اثنای آن مطرح شده است.

البته، باید توجه داشت که مرور زمان در قانون بدون اینکه حق را منتفی کند جلوی اقامه‌ی دعوا برای مطالبه‌ی آن را می‌گیرد در حالی که در مواردی ممکن است حق استعداد بقا

۱. باقری، علی؛ امیر برزگر، و سکینه باقری؛ «بررسی وضعیت ظهنویسی و تفاوت آن با ضمانت تجاری با تأکید بر رویه قضایی»، *فصلنامه قضاوت* ۸۲ (۱۳۹۴): ۲۵-۵۲، ص ۳۴ و هویدا، یوسف درویشی؛ «عدالتی متفاوت بر مبنای قانونی نارسا، تفسیرها و آرای متناقض قضایی در خصوص اسناد تجاری»، *دوفصلنامه دانش حقوق مدنی* ۴، شماره ۲ (۱۳۹۴): ۴۴-۵۸، ص ۵۲.

۲. رأی وحدت رویه شماره ۷۸۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۳ دیوان عالی کشور درباره‌ی اعتراض ثالث به حکم ورشکستگی این نقیصه را برطرف کرده است.

برای مدت زیادی را نداشته باشد، آن گونه که در مورد اعمال خیار عیب و خیار غبن معمول است. به نظر می‌رسد اعتراض ثالث نیز از این مقوله است؛ یعنی بعد از اطلاع ثالث از حکم قابل اعتراض، او اگر مقیم ایران باشد حداکثر به مدت بیست روز فرصت خواهد داشت که از حق اعتراض ثالث استفاده کند و گرنه آن گونه که دیگران^۱ هم نظر داده‌اند، آن حق خودبه‌خود منتفی خواهد شد. در این مورد، همان‌طور که در کامن‌لای نیز معمول است، اصل بر آن است که ثالث از حکم قابل اعتراض مطلع نشده است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. در واقع، از یک سو حمایت از حقوق ثالث و از سوی دیگر حمایت از حقوق اصحاب اصلی دعوا، سبب می‌شود که اصولاً نتوانیم قائل به حق اعتراض ثالث به مدتی زاید بر بیست روز از تاریخ اطلاع او از حکم معترض عنه باشیم. مشابه حالت فوق درباره انتفای استعداد بقای حق در دعوای نفی ولد مشاهده می‌شود که برای اقامه آن مدتی دو ماهه در نظر گرفته شده است. همچنین ممکن است رعایت مهلت لازمه استقرار حق باشد آن گونه که مطابق قانون بیمه، لازمه استقرار مسئولیت بیمه‌گر، اطلاع دادن وقوع حادثه به او از سوی بیمه‌گذار در ظرف پنج روز است. در این باره، لازم‌الرعايه بودن مهلت اعتراض ثالث و مهلت نفی ولد به نحو دیگری نیز قابل اثبات است به این صورت که اعتراض ثالث استثنای اصل اعتبار مطلق آرا به شرح مذکور به وسیله بعضی^۲ و نفی ولد استثنای قاعده فراش تلقی شود.

درباره مهلت تجدید نظرخواهی نیز به شرح فوق می‌توان گفت برای جلوگیری از تزلزل آرا، حق تجدید نظرخواهی استعداد بقای بیش از مهلت در نظر گرفته شده را برای آن ندارد. البته باید توجه داشت که قانونگذار در ق.آ.د.م. در ابتدا آرا را قطعی و تجدید نظرخواهی را استثنایی قلمداد کرده ولی بعد با قابل تجدید نظر تلقی کردن اغلب دعوای مالی و غیرمالی ظاهراً جای اصل و استثناء را تغییر داده و به تخصیص اکثر اقدام کرده است.

۱. قلی‌زاده منقوطای، احد؛ «تحلیل اصل اعتبار مطلق آراء دادگاهها در آئین دادرسی و اجرای احکام مدنی.» *فقه و حقوق اسلامی* ۱۰، شماره ۱۸ (۱۳۹۸): ۱۷۳-۲۰۰، ص ۱۹۵.

۲. Seney, George E. *Code of Civil Procedure of the State of Ohio*. (Cincinnati: Robert Clarke & Co., 1874), p. 22.

۳. قلی‌زاده منقوطای ۱۳۹۸، ص ۱۷۳.

با این حال همان گونه که دیگران هم نظر داده‌اند، همچنان کم نیستند آرای که قابل تجدید نظرخواهی نیستند و در نظر گرفتن جهات تجدید نظر نیز مانع از آن است که با اطمینان معتقد به تخصیص اکثر باشیم.

۳. تشابه و تفاوت‌های دیگر احکام مرور زمان و ظرف زمانی حق

درباره مرور زمان، قانونگذار عذر موجه را پذیرفته است. آن گونه که در کامن‌لآو حقوق اروپا^۱ نیز معمول است، قانونگذار درباره مهلت‌ها نیز عذر موجه را پذیرفته و شخص می‌تواند با اثبات داشتن عذر موجه، علی‌رغم سپری شدن مهلت، اقامه دعوا کند. دعوای او با ایراد خارج از مهلت بودن دعوا^۲ مواجه نشده، و به این علت رد نمی‌شود. در سایر انواع ظرف زمانی حق هم این وضعیت وجود دارد. می‌توان گفت به همین دلیل است که در مورد ابطال معاملات مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره با شرکت نیز در صورت اثبات عذر موجه یعنی مخفیانه انجام شدن معامله، مبدأ سه سال مزبور تاریخ کشف معامله خواهد بود نه تاریخ انعقاد آن. به این ترتیب، دادگاه می‌تواند عذر موجه دارنده چکی را که در ظرف پانزده روز مقرر موفق به اعتراض عدم تأدیه و دریافت گواهی آن نشده ولی بعد از گذشتن آن مدت و به محض رفع عذر، به این امر اقدام کرده باشد، بپذیرد و همچنان دعوای او علیه ظهرونیسان و ضامنان ظهرونیسان چک مزبور را قابل قبول تلقی کند.

قانونگذار قاعداً برای مرور زمان مدت‌هایی طولانی را در نظر می‌گیرد. در نتیجه مهلت مدت‌های کوتاه نظیر بیست روز و کمتر، در نظر گرفته می‌شوند و با توجه به ذکر مجدد آنها در ق.آ.د.م. جدید و تأکید قانونگذار بر اینکه بعد از این مدت‌ها دعوا پذیرفته نمی‌شود، کسی هم گمان نمی‌برد که این مدت‌ها مرور زمان باشند، حتی اگر آنها برای اقامه دعوا نباشند بلکه برای سایر موارد، یعنی دفاع از دعوا یا رفع نقص دادخواست، باشند.

۱. قلی‌زاده، احد؛ «تحلیلی بر اصل وحدت رسیدگی در قانون آیین دادرسی مدنی.» دانش حقوق مدنی ۵، شماره ۲

(۱۳۹۵): ۱۳۰-۱۰۷، ص ۱۱۰.

۲. Davis, Robin Jean, and Louis J. Palmer. *Handbook on the Rules of Civil Procedure for West Virginia Magistrate Courts*. (New York: Juris Publishing, 2010), p 90.

۳. Seerden, Rene, and Frits Stronik. *Administrative Law of the European Union, Its Member States and the United States: A comparative Study*. (Groningen: Intersentia Uitgevers Antwerpen, 2002), p 138.

۴. Laches

مشکل وقتی بروز می‌کند که مدت‌ها نظیر آنچه در فوق گفته شدند، طولانی، مثلاً برای یک سال یا بیشتر از آن، باشند یا در قوانینی که بعد از انقلاب عوض نشده‌اند درج شده باشند. برای نمونه قانونگذار حق التألیف را برای مدت تا پنجاه سال بعد از فوت مؤلف به رسمیت شناخته و با ملاک‌هایی که قبلاً گفته شد علی‌رغم نظر بعضی، این مدت مرور زمان نخواهد بود.

به عنوان تفاوت، آن گونه که دیگران^۱ هم نظر داده‌اند، با شمول مرور زمان به حکایت قانون، خود حق باقی می‌ماند ولی حق اقامه دعوا برای احقاق آن ساقط می‌شود درحالی که با انقضای ظرف زمانی حق نه تنها حق اقامه دعوا برای آن بلکه خود آن حق نیز از بین می‌رود. این امر باعث می‌شود که اگر مدعی علیه، حق مورد ادعای او بعد از شمول مرور زمان ایفاء کند دعوی او برای استرداد موضوع حق مزبور مسموع نباشد ولی برخلاف مورد مرور زمان، اگر مدعی علیه موضوع حق مشمول ظرف زمانی حق را بعد از پایان آن ظرف زمانی به مدعی تحویل داده باشد می‌تواند آن را استرداد کرده با امتناع دریافت کننده از استرداد آن، به اقامه دعوا اقدام کند و چنین دعوایی مسموع خواهد بود. مثلاً اگر بعد از گذشت پانزده روز مربوط به اعتراض عدم تأدیه و عدم انجام اعتراض عدم تأدیه، ظهرنویس چک به پرداخت وجه آن اقدام کرده باشد این وجه قابل استرداد بوده و دعوا برای استرداد آن مسموع خواهد بود.

۴. ظرف زمانی حق یا مرور زمان در موارد مقدماتی

مواردی وجود دارند که در آنها ظرف زمانی حق برای مقدمه اقامه دعوا مطرح می‌شود نه خود اقامه دعوا؛ برای مثال، در درخواست محکومیت متصدی حمل و نقل به پرداخت خسارات آواری غیرظاهر، و درخواست اعلام بقای شرکت تضامنی، نسبی، یا مختلط غیرسهامی بعد از گذشت یک ماه از فوت یا حجر یکی از شرکای آن.

۱. نوری، جعفر، و عبدالرشید آخوندی؛ «تحلیل اقتصادی حقوق در باب مرور زمان» فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی

۲، شماره ۵ (۱۳۹۲): ۳۵-۶۱، ص ۵۸.

۲. شهیدی، مهدی. سقوط تعهدات. (تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۸)، ص ۱۳۹.

۴،۱. درخواست محکومیت متصدی حمل و نقل به پرداخت خسارات آواری غیرظاهر

به عنوان مثال اول، در صورتی که محموله ارسال شده عیب و نقص غیرظاهر داشته باشد، اعم از اینکه این عیب و نقص نتیجه تدلیس یا تقصیر عمده بوده یا نبوده باشد، مرسل الیه حداکثر هشت روز فرصت خواهد داشت که آن عیب و نقص (آواری) را به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد تا بتواند علیه آن متصدی بابت خسارات وارده اقامه دعوا کند. در قواعد رتردام این مدت برای حمل و نقل بین المللی از طریق دریا هفت روز در نظر گرفته شده است.^۱ در این مورد نیز مرور زمان بودن یا ظرف زمانی حق بودن هشت روز مذکور در قانون ممکن است مطرح شود. البته می دانیم که طبق تعریف ق.آ.د.م. سابق، مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت دعوی شنیده نمی شود. باین حال، مدتی که در این بند مطرح شده برای طرح ادعاست نه طرح دعوا؛ ولی این ادعا زمینه ساز طرح دعوای مطالبه خسارات عیب و نقص غیرظاهر خواهد شد. درواقع آن گونه که در کامن لائیز معمول است، اگر این مدت رعایت نشده باشد امکان اقامه دعوا منتفی خواهد بود. پس گرچه در حاشیه، ولی باز اصولی بودن یا استثنایی بودن حق محدود شده با این مدت مطرح می شود. دقت در مفاد مقررات قانونی مربوطه نشان می دهد که وقتی مرسل الیه محموله را بدون طرح عیب و نقص دریافت کرده و کرایه آن را پرداخت کند دیگر اصولاً حقی در طرح ادعا و در نتیجه اقامه دعوی عیب و نقص ظاهر یا غیرظاهر نخواهد داشت. به عبارت دیگر، مرسل الیه بررسی محموله را باید قبل از قبول آن و پرداخت کرایه حمل انجام دهد و در صورتی که محموله دارای عیب و نقص باشد از قبول و پرداخت کرایه امتناع کند. پس حقی که قانونگذار به نحو فوق برای مرسل الیه در نظر گرفته درواقع حقی استثنایی است.

^۱ Rogers, Anthony, Jason Chuah, and Martin Dockray. *Cases and Materials on the Carriage of Goods by Sea*. (London: Routledge Taylor and Francis Group, 2016), p. ۵۲.

^۲ Riano, Willard B. *Fundamentals of Civil Procedure*. (Manila: Rex Book Store, Inc., ۲۰۰۵), p. ۴۷۷.

در این رابطه، ظاهر آن است که عیب و نقص مطرح شده بعد از تحویل گرفتن کالا به وجود آمده مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. بنابراین با قبول محموله و پرداخت کرایه آن علیه مرسل‌الیه و به نفع متصدی حمل و نقل و ارسال‌کننده دوبار اماره‌سازی می‌شود؛ اولاً ظاهر آن می‌شود که محموله عیب و نقصی ندارد مگر اینکه مرسل‌الیه عیب و نقص داشتن آن را ثابت کند، ثانیاً عیب و نقص، اخیراً و وقتی کالا در تصرف مرسل‌الیه بوده اتفاق افتاده مگر اینکه مرسل‌الیه قدیمی بودن آن را ثابت کند. در هر حال، وجود و سابقه چنین عیب و نقص غیرظاهری باید در مدتی که عرفاً کافی برای تحقیق و کشف است مطرح گردد. این مدت قانوناً نمی‌تواند بیش از هشت روز باشد گرچه قانوناً ممکن است همان‌طور که دیگران هم تلویحاً نظر داده‌اند؛ بسته به ماهیت کالا، بسته‌بندی، و شرایط مربوطه؛ کمتر از این مدت باشد؛ برای مثال، در مورد محموله لباس ممکن است عرف تجارتی مربوطه سه روز را برای بررسی کافی بدانند، در این صورت مرسل‌الیه فقط سه روز وقت خواهد داشت تا عیب غیرظاهرها مطرح کند در حالی که ممکن است برای تحقیق، بررسی، و انجام آزمایشات مربوطه درباره گیاهان دارویی عرف تجارتی مربوطه ده روز یا بیشتر را لازم بدانند یا اینکه عملاً چنین مدتی لازم باشد.

در حالت اخیر علی‌رغم حکم عرف تجارتی و آنچه در عمل بدان نیاز است مرسل‌الیه به حکم قانون بیش از هشت روز مهلت برای اعلام عیب غیرظاهر نخواهد داشت. تردیدی نیست که این مدت به منظور رعایت اصل سرعت در تجارت، محدود شده و علی‌رغم نظر بعضی^۱، نباید با دلایل غیرتجاری افزایش داده شود و حتی علی‌رغم نظری که بعضی^۲ در موردی مشابه ابراز کرده‌اند، این مدت به طور قراردادی نیز قابل افزایش نیست؛ گرچه با توجه به آنچه در مورد عرف گفته شد ایرادی در اینکه این مدت با قرارداد طرفین کاهش داده شود، به نظر نمی‌رسد. بنابراین مدت مزبور مرور زمان نبوده، مشمول منع شورای نگهبان قرار نگرفته و لازم‌الرعایه است.

۱. حسنی ۱۳۸۹: ص ۵۹۲ و ثابت سعیدی ۱۳۹۱: ص ۲۴۶.

۲. پارسایی، حسین؛ تحلیل و ارزیابی مسئولیت مدنی متصدی حمل و نقل کالای جاده‌ای در حقوق ایران. تهران: دفتر

برنامه‌ریزی و آموزش وزارت راه و ترابری، ۱۳۸۹، ص ۱۵.

۳. عباس تبار فیروزجاه و کیکانلو ۱۳۹۴: ص ۱۱۶.

مدت فوق برای اطلاع دادن است و اگر در آن مدت اطلاع داده شود مرسل الیه حق پیدا می کند که برای دریافت خسارت اقامه دعوا کند. برای چنین اقامه دعوایی قانونگذار مدت خاصی را در نظر نگرفته است. مدت مرور زمان دعاوی راجع به حمل و نقل یک سال بوده است. بنابراین با برداشته شدن مدت مرور زمان مزبور، مرسل الیهی که در ظرف هشت روز فوق عیب غیرظاهر را اطلاع داده باشد علی رغم نظر بعضی^۱ بدون محدودیت زمانی حق خواهد داشت که در دادگاه اقامه دعوا کند.

۴،۲. درخواست اعلام بقای شرکت تضامنی، نسبی یا مختلط غیر سهامی بعد از گذشت یک ماه از فوت یا حجر یکی از شرکای آن

به عنوان مثال دوم، هر یک از شرکت های تضامنی، نسبی، یا مختلط غیر سهامی در صورت فوت یا حجر یکی از شرکای آن، در معرض انحلال قرار می گیرد. قانون تجارت به سایر شرکای چنین شرکتی اجازه داده که با توجه به جانشینی ایجاد شده، تصمیم به بقای آن بگیرند و اگر آنها مصمم به باقی ماندن شرکت بودند با تصمیم جانشین شریک متوفی یا محجور به بقای شرکت در ظرف یک ماه، شرکت مزبور باقی بماند. همان گونه که در بند قبلی گفته شد دوباره مدت مطرح شده در این بند نه برای اقامه دعوا بلکه، برای مقدمه چینی اقامه دعوا است. به این معنی که اگر یک ماه مزبور به اتمام برسد و بقیه شرکا و جانشین شریک متوفی یا محجور به بقای شرکت تصمیم نگرفته باشند، شرکت منحل شده محسوب است و مدعی بقای آن باید اقامه دعوی اعلام بقای شرکت را بکند.

به این ترتیب، این سؤال مطرح می شود که یک ماه مذکور در قانون مرور زمان است یا ظرف زمانی حق؟ پس برای پاسخ دادن به این سؤال باید تحقیق شود که حق موضوع این یک ماه اصولی است یا استثنایی؟ دقت در مفاد مقرر قانونی مربوطه نشان می دهد که علی رغم نظر بعضی^۲ از نظر قانونگذاران، با گذشت یک ماه از فوت یا حجر یکی از

۱. حسنی ۱۳۸۹: ص ۵۶۴.

۲. خزاعی، حسین؛ حقوق تجارت - شرکتهای تجاری - کلیات، شرکتهای اشخاص، شرکت با مسئولیت محدود و شرکتهای تعاونی - تطبیق اجمالی با لایحه قانونی ۱۳۸۴. جلد ۱. (تهران: نشر قانون، ۱۳۸۵)، ص ۱۰۸؛ پاسبان ۱۴۰۲: ص ۴۲۱ و ستوده، حسن؛ حقوق تجارت. جلد ۱. (تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۴۹)، ص ۲۳۴.

شرکای شرکت تضامنی، نسبی، یا مختلط غیرسهامی، آن شرکت آن گونه که دیگران^۱ هم نظر داده‌اند، خودبه‌خود منحل می‌شود مگر اینکه سایر شرکا تصمیم به بقای شرکت گرفته باشند و جانشین شریک متوفی یا محجور هم راضی به بقای شرکت باشد. البته چنین تصمیمی باوجود نظر بعضی^۲ باید بعد از فوت یا حجر شریک گرفته شود و آن‌سان که دیگران^۳ هم نظر داده‌اند، برای اجتناب از غرر، تداخل با مقررات ارث و وصیت، و رعایت حقوق طلبکاران شرکت یا شریک متوفی یا محجور، نمی‌توان قبل از فوت یا حجر هر یک از شرکا چنین تصمیمی را اتخاذ کرد. همچنین بدیهی است آن‌چنان که بعضی^۴ ابراز کرده‌اند، حجر باید مسلم باشد ولی علی‌رغم نظر بعضی^۵ لزوماً منظور این نیست که یک ماه مورد بحث از لحظه تعیین جانشین برای شریک محجور شروع شود.

قاعدتاً رابطه شرکا با شرکت و رابطه آنها با هم ارتباطی لازم به نحوی که علی‌رغم آنچه در کامن‌لای^۶ درباره شرکت‌های تضامنی معمول است، فوت یا حجر یکی از آنها هیچ‌شرکتی را منحل نمی‌کند. بنابراین در معرض انحلال قرار گرفتن شرکت تضامنی، نسبی، یا مختلط غیرسهامی در اثر فوت یا حجر یکی از شرکای آنها (در شرکت‌های مختلط غیرسهامی یکی از شرکای ضامن آنها) همان گونه که در فوق توضیح داده شد و دیگران^۷ هم نظر داده‌اند، امری استثنایی است. اینکه این استثنا از اهمیت جایگاه شخص شرکای ضامن در این شرکت‌ها سرچشمه می‌گیرد آن را به اصل بدل نمی‌کند. در نتیجه قانونگذار حق را به‌طور استثنایی طراحی و برای آن مدتی یک ماهه در نظر گرفته است. پس این حق، مرور زمان نبوده بلکه ظرف زمانی حق است و باید رعایت شود. تلقی شدن سکوت سایر شرکا یا جانشین شریک متوفی یا محجور به عنوان رضایت سبب نمی‌شود که

۱. قلی‌زاده منقوطای، احد؛ «تحلیل حقوقی ماهیت لازم یا جایز شرکتهای تضامنی، نسبی و مختلط غیرسهامی». پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۹۷ (۱۳۹۹): ۲۰۷-۲۳۲، ص ۲۱۹.

۲. زنگنه ۱۳۵۳: ص ۹۱.

۳. قلی‌زاده منقوطای ۱۳۹۹: ص ۲۲۲.

۴. حسنی ۱۳۸۹: ص ۳۲۰.

۵. محمدی، جلیل؛ حقوق بازرگانی. (تبریز: فروزش، ۱۳۹۳)، ص ۱۰۶.

۶. Schneeman, Angela. *The Law of Corporations and Other Business Organizations*. (Australia: Delmar Cengage Learning, 2013), p. 94.

۷. قلی‌زاده منقوطای ۱۳۹۹: ص ۲۱۹.

فرض کنیم شرکت با فوت یا حجر هر یک از شرکاء در معرض انحلال قرار نگرفته است. شرکت به این ترتیب در معرض انحلال قرار گرفته ولی سکوت آنان به نوبه خود می تواند موجب رفع خطر انحلال آن شود. البته، آن سان که دیگران هم توجه داشته اند، معمولاً در ظرف یک ماه مذکور جانشین شریک متوفی یا محجور به وسیله مراجع موظف تعیین نمی گردد بنابراین یک ماه سپری می شود بدون اینکه جانشین مزبور مشخص شود و با صوت یا سکوت اظهار نظر کند، پس لاجرم شرکت منحل می شود.

نتیجه گیری

تحلیل تحقیقی_توصیفی فوق برای آن بود که نشان دهد، مطابق فرضیه مقاله، نباید همه مدت های مندرج در قوانین را مرور زمان تلقی کرد و با توجه به نظر شورای نگهبان که به تحقیق علاوه بر ق.آ.د.م. سایر قوانین مربوط به امور مدنی را نیز نظیر ق.ت.د.برمی گیرد، آنها را ملغی شده دانست؛ بلکه آن گونه که از مثال های قانونی تحلیل شده استنباط می شود، بسیاری از این مدت ها ظرف زمانی حق هستند که باید رعایت شده و نباید با مرور زمان اشتباه گرفته شوند. موارد تحلیل شده از ظرف زمانی حق در متن مقاله تمثیلی هستند و تعداد واقعی موارد ظرف زمانی حق در ق.ت. و قوانین پیرامون آن؛ نظیر، لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، فقط به این موارد محدود نمی گردند. ملاک روشنی، یعنی اصولی یا استثنایی بودن وجود و جریان حق موضوع مدت، برای تشخیص مرور زمان از ظرف زمانی حق وجود دارد. ضمن اینکه تشخیص اصولی یا استثنایی بودن حق نیز به عنوان امری تشخیصی، فاقد ملاک علمی نیست. مرور زمان و ظرف زمانی حق از نظر تأثیر عذر موجه بر اعمال آنها مشابه اند ولی از نظر قرار گرفتن تحت نظر شورای نگهبان، کوتاه یا بلند بودن مدت آنها، و مسقط حق بودن یا نبودن تفاوت هایی دارند.

تشخیص این دو از یکدیگر باعث روشن شدن حقایق دیگری نیز به شرح مندرج در متن گردیده است: از جمله درباره شامل شدن نظر شورای نگهبان بر قوانین غیر از ق.آ.د.م. نظیر ق.ت.؛ امکان شرط کردن مرور زمان؛ امکان ورشکسته کردن تاجر حقیقی یا

حقوقی که در هنگام ترک تجارت یا محجورشدن متوقف بوده است؛ امکان اصولی ورشکسته کردن تاجری که دارایی او بعد از فوت، انحلال، و نظایر آنها به طور عادی تقسیم هم شده است؛ امکان ورشکسته کردن شرکت منحل شده؛ شامل شدن معامله به قصد فرار از دین با معامله به قصد اضرار به طلبکاران؛ تشخیص شرایط فسخ معامله متضمن غبن افحش قبل از توقف تاجر ورشکسته؛ امکان ابطال معامله مورد تصویب مجمع عمومی از سوی ذی نفع؛ در حکم ظهنویس بودن صادرکننده سند تجاری‌ای که وجه سند را به محال علیه رسانیده یا محال علیه آن (در مورد برات) سند را قبول کرده باشد؛ اصولی بودن مسئولیت ضامن مسئول اصلی سند تجاری در مقایسه با مسئولیت ظهنویس و ضامن او؛ در نظر گرفته شدن مدت استعداد بقاء یا استقرار حق در مواردی نظیر دعوی اعتراض ثالث، دعوی نفی ولد، و دعوی مسئولیت علیه بیمه گر؛ امکان در نظر گرفتن عذر موجه درباره ظرف زمانی حق؛ ظرف زمانی حق تلقی شدن مدت حمایت از حقوق مادی مالکیت معنوی؛ و تشخیص امارات مربوط به زمان پیدایش عیب غیرظاهر.

باید توجه داشت که در مورد ظرف زمانی حق نباید مرور زمان مطرح شود؛ نمی‌توان گفت که هم حق استثنایی بوده، فقط در مدت محدودی قابل طرح باشد و هم در مورد آن مرور زمان مطرح باشد؛ چون لازمه چنین حالتی آن خواهد بود که حق هم اصولی و هم در همان حال استثنایی باشد. در واقع، ذکر این نکته مانع از سوء تفاهم در مواردی می‌شود که دو ظرف زمانی حق به طور متوالی به وسیله قانونگذار در نظر گرفته شده‌اند؛ مثلاً، برای مراجعه به ظهنویس سند تجاری خاص، باید ابتدا ظرف زمانی اعتراض عدم تأدیه رعایت شده باشد تا بتوان در ظرف زمانی اقامه دعوا به طرح دعوا اقدام کرد؛ یعنی اگر ظرف زمانی اول رعایت نشده باشد ظرف زمانی دوم هم به طور خودبه‌خود ساقط خواهد شد.

در اینجا باید به هشت روز مربوط به عیب و نقص غیرظاهر و یک ماه مربوط به بقای شرکت هم توجه کرد. در این دو مورد لازمه پیدایش استثنایی حق اقامه دعوا، رعایت این مدت‌هاست، وقتی این مدت‌ها رعایت و حق اقامه دعوا در ظرف زمانی خود تثبیت شد، بقای آن حق قابل استصحاب خواهد بود. البته منظور این نیست که هر یک از این دو مدت باید گذشته باشد تا بتوان اقامه دعوا کرد بلکه با فراهم شدن شرایط لازم، حتی وقتی آن مدت‌ها منقضی نشده باشند نیز می‌توان اقامه دعوا کرد.

نکته ظریف دیگری از محتویات این مقاله کشف می‌شود به این صورت که: گرچه هر دعوایی خلاف اصل است ولی هر دعوایی استثنایی نیست؛ برای مثال، دعوا علیه ضامن چک، دعوایی اصولی است ولی دعوا علیه ظهرنویس آن دعوایی استثنایی است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Ahad Gholizadeh
Manghutay



<https://orcid.org/0000-0003-4464-9410>

منابع

فارسی

- اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت - ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته. (تهران: سمت، ۱۴۰۲ الف).
اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت؛ کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری. (تهران: انتشارات سمت، ۱۴۰۲ ب).
اسکینی، ربیعا. «ماهیت و شرایط مسئولیت ضامن چک در حقوق ایران». فصلنامه حقوق ۳۹، شماره ۲ (۱۳۸۸): ۷۳-۸۹.
انوریپور، محسن. ورشکستگی در حقوق ایران. (تهران: نشر بابک، ۱۳۵۳).
باقری، علی، امیر برزگر، و سکینه باقری. «بررسی وضعیت ظهرنویسی و تفاوت آن با ضمانت تجاری با تأکید بر رویه قضایی». فصلنامه قضاوت ۸۲ (۱۳۹۴): ۲۵-۵۲.
پارسایی، حسین. تحلیل و ارزیابی مسئولیت مدنی متصدی حمل و نقل کالای جاده‌ای در حقوق ایران. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و آموزش وزارت راه و ترابری، ۱۳۸۹.
پاسبان، محمدرضا. حقوق شرکت‌های تجاری. (تهران: سمت، ۱۴۰۲).
تفرشی، محمدعسی. «اثر حکم ورشکستگی نسبت به معاملات تاجر ورشکسته باتوجه به اصول و مبانی قانون مدنی». مدرس، شماره ۵ (۱۳۷۶): ۵۴-۷۴.
ثابت سعیدی، ارسلان. حقوق تجارت (رشته‌های علوم اجتماعی و حسابداری). (تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۹۱).
حسنی، حسن. حقوق تجارت. (تهران: میزان، ۱۳۸۹).

تحلیل حقوقی ظرف زمانی حق و کاربردهای آن در حقوق تجارت | قلی‌زاده منقوطای | ۱۶۷

- حسنی، حسن. حقوق تعاونیها. (تهران: سمت، ۱۴۰۲).
- حمیدی، حسین، سید محمد صادق حسینی، و سیده الهه حسینی. «مطالعه تطبیقی جایگاه مرور زمان در مطالبه خسارت در حمل و نقل هوایی». پژوهشنامه حمل و نقل ۱۶، شماره ۵۹ (۱۳۹۸): ۱۰۷-۱۱۷.
- حیدرپور، البرز. محدودیتهای مدیران شرکت‌ها در انجام معاملات - مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس. (تهران: مه‌زیار، ۱۳۸۲).
- خزاعی، حسین. حقوق تجارت - شرکت‌های تجاری - کلیات، شرکت‌های اشخاص، شرکت با مسئولیت محدود و شرکت‌های تعاونی - تطبیق اجمالی با لایحه قانونی ۱۳۸۴. جلد ۱. (تهران: نشر قانون، ۱۳۸۵).
- خواجهمیری، عباس. حقوق تجارت؛ انحلال و تصفیه شرکت‌های تجاری. (تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹).
- راستین، منصور. حقوق بازرگانی. (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۱).
- زنگنه، عبدالحمید اعظمی. حقوق بازرگانی. (تهران: بی‌نام، ۱۳۵۳).
- ستوده، حسن. حقوق تجارت. جلد ۱. (تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۴۹).
- ستوده، حسن. حقوق تجارت. جلد ۴. (تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۵۰).
- شمس، عبدالله. آیین دادرسی مدنی. جلد ۳. (تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۵).
- شوشتری، سید محمد حسن ملائکه‌پور، و ناهید بنی‌رشید. «تحلیلی بر ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶». پژوهشنامه بیمه ۳۰، شماره ۲ (۱۳۹۴): ۱۸۹-۲۲۰. _____
- شهیدی، مهدی. سقوط تعهدات. (تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۸).
- صفی‌نیا، نورالدین. درآمدی بر قانون شرکت‌های تجاری در ایران. (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱).
- صقری، محمد. «رای وحدت رویه ردیف ۷۳/۴۶ هیئت عمومی دیوانعالی کشور مورخ ۱۳۷۴/۴/۶ و حدود مسئولیت ضامن در اسناد تجاری». دیدگاههای حقوقی ۲، شماره ۸ (۱۳۷۶): ۲۳۴-۲۴۳.
- صقری، محمد. حقوق بازرگانی، ورشکستگی، نظری و عملی. (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶).
- عباس‌تبار فیروزجاه، مجید، و علی روحی‌زاده کیکانلو. «شرط تحدید زمانی اقامه دعوی مسئولیت». مجله حقوقی دادگستری ۷۹، شماره ۸۹ (۱۳۹۴): ۱۰۵-۲۲۲. _____
- عبدالملکی، مهدی. «اوصاف اسناد براتی در نظریه‌های حقوقی». مجله حقوقی دادگستری ۷۴، شماره ۶۹ (۱۳۸۹): ۱۱۷-۱۵۵. _____

- عبدیپور فرد، ابراهیم. حقوق تجارت، جلد چهارم، حقوق ورشکستگی. (تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۴۰۳).
- عرفانی، محمود. حقوق تجارت - ورشکستگی شرکت‌ها و تجارت. جلد ۳. (تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶).
- فخاری، امیرحسین. «مسئولیت امضاء کنندگان اسناد تجاری». *مجله تحقیقات حقوقی* ۱۶-۱۷ (۱۳۷۵): ۶۵-۳۷.
- فروزنده مهر، علیرضا. *محمضای قانون تجارت*. (تهران: انتشارات جاودانه، ۱۳۹۶).
- قلی زاده منقوطای، احد. «تحلیل حقوقی ماهیت لازم یا جایز شرکت‌های تضامنی، نسبی و مختلط غیرسهامی». *پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۹۷ (۱۳۹۹): ۲۰۷-۲۳۲.
- قلی زاده منقوطای، احد. «تحلیل وضعیت حقوقی انواع معاملات صوری و با تبانی ورشکسته؛ عدم هماهنگی کامل موجبات بطلان معاملات ورشکسته با موجبات به تفصیر شدن ورشکستگی». *دانشنامه حقوق اقتصادی* ۲۹، شماره ۲۱ (۱۴۰۱): ۱۰۷-۱۲۹.
- قلی زاده منقوطای، احد. «تحلیل اصل اعتبار مطلق آراء دادگاهها در آئین دادرسی و اجرای احکام مدنی». *فقه و حقوق اسلامی* ۱۰، شماره ۱۸ (۱۳۹۸): ۱۷۳-۲۰۰.
- قلی زاده، احد. «تحلیلی بر اصل وحدت رسیدگی در قانون آیین دادرسی مدنی». *دانش حقوق مدنی* ۵، شماره ۲ (۱۳۹۵): ۱۰۷-۱۳۰.
- کاویانی، کورش. *حقوق اسناد تجاری*. (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۱).
- محسنی، سعید، و سید محمد مهدی قبولی درافشان. «مفهوم و آثار بطلان نسبی». *مجله دانش و توسعه* ۱۷، شماره ۳۳ (۱۳۸۹): ۲۴۵-۲۷۱.
- محمدی، جلیل. *حقوق بازرگانی*. (تبریز: فروزش، ۱۳۹۳).
- معزی، جعفر. «بررسی مرور زمان در بیمه‌های بازرگانی». *پژوهش بیمه* ۲۷، شماره ۴ (۱۳۹۱): ۹۷-۱۱۲.
- نوری، جعفر، و عبدالرشید آخوندی. «تحلیل اقتصادی حقوق در باب مرور زمان». *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی* ۲، شماره ۵ (۱۳۹۲): ۳۵-۶۱.
- هویدا، یوسف درویشی. «عدالتی متفاوت بر مبنای قانونی نارسا، تفسیرها و آرای متناقض قضایی در خصوص اسناد تجاری». *دوفصلنامه دانش حقوق مدنی* ۴، شماره ۲ (۱۳۹۴): ۴۴-۵۸.

References

- Ashcroft, John D., and Janet E. Ashcroft. *Law for Business*. (Ohio: Thomson Learning Inc., 2008).
- Davis, Robin Jean, and Louis J. Palmer. *Handbook on the Rules of Civil Procedure for West Virginia Magistrate Courts*. (New York: Juris Publishing, 2010).
- Goldman, Arnold J., and William D. Sigismund. *Business Law: Principles and Practices*. (Ohio: South Western Cengage Learning Inc., 2010).
- Martin, Nathalie, and Ocean Tama. *Inside Bankruptcy Law: What Matters and Why*. (New York: Aspen Publishers, 2011).
- Mishra, Sukhvinder. *Banking Law and Practice*. (New Delhi: S. Chand & Company Ltd., 2012).
- Riano, Willard B. *Fundamentals of Civil Procedure*. (Manila: Rex Book Store, Inc., 2005).
- Rogers, Anthony, Jason Chuah, and Martin Dockray. *Cases and Materials on the Carriage of Goods by Sea*. (London: Routledge Taylor and Francis Group, 2016).
- Schneeman, Angela. *The Law of Corporations and Other Business Organizations*. (Australia: Delmar Cengage Learning, 2013).
- Seerden, Rene, and Frits Stronik. *Administrative Law of the European Union, Its Member States and the United States: A comparative Study*. (Groningen: Intersentia Uitgevers Antwerpen, 2002).
- Seney, George E. *Code of Civil Procedure of the State of Ohio*. (Cincinnati: Robert Clarke & Co., 1874).

Persian References Translated into English

Abbasi, Mohammad Reza. *Commercial Companies Law*. (Tehran: SAMT, ۲۰۰۶).

Abbastabar Firouzjah, Majid, Ali Roohizadeh Keykanloo "Liability Claim Time Limitation Condition." *Judicial Law Journal* 79, No. 89 (2015): 105-222. <https://doi.org/10.22106/jlj.2015.13581>

Abdipourfard, Ebrahim. *Commercial Law, Volume 4, Bankruptcy Law*. (Tehran: Majd Scientific and Cultural Forum, 2014).

Abdolmaleki, Mehdi. "Interpretation of Commercial Documents in Legal Theories." *Judicial Law Journal* 74, No. 69 (2010): 117-155. <https://doi.org/10.22106/jlj.2010.11189>

Anvaripour, Mohsen. *Bankruptcy in Iranian Law*. (Tehran: Babak Publication, 1974)

Bagheri, Ali, Amir Barzegar, and Sakineh Bagheri. "Investigating the Status of Endorsement and its Difference with Commercial Warranty with an Emphasis on Judicial Procedure." *Judicial Quarterly* 82 (2015): 25-52.

Erfani, Mahmood. *Commercial Law, Bankruptcy of Companies and Merchants*. Vol. 3. (Tehran: Jahad Daneshgahi Publication, 1987).

Eskini, Rabia. "The Nature and Conditions of Liability of Cheque Guarantor in Iranian Law." *Law Quarterly* 39, No. 2 (2009): 73-89.

ESkini, Rabia. *Commercial Law, Bankruptcy and Bankruptcy Clearance*. (Tehran: SAMT, 1996).

Eskini, Rabia. *Commercial Law; Generalities, Business Transactions, Merchants and Organization of Business Activity*. (Tehran: SAMT Publications, 1999).

Fakhkhari, Amirhossein. "The Responsibility of Signers of Commercial Documents." *Journal of Legal Research* 16-17 (1996): 37-65.

Forouzandeh Mehr, Alireza. *Explaining the Commercial Law*. (Tehran: Javdaneh Publications, 2017).

Gholizadeh Manghutay, Ahad. "A Legal Analysis to the Binding or Non-binding Nature of General, Proportional and Limited Partnerships." *Journal of Business Research*, No. 97 (2020): 207-232.

Gholizadeh Manghutay, Ahad. "An Analysis to Legal Status of Kinds of Bankrupt's Fictitious and with Conspiracy Transactions; Lack of Complete Coordination between Bankrupt's Transactions Nullity Causes and Causes of Culpable Bankruptcy", *Encyclopedia of Economic Law* 29, No. 21 (2022): 107-129.
<https://doi.org/10.22067/economlaw.2022.75992.1164>

Gholizadeh Manghutay, Ahad. "Analysis of the Absolute Validity of Courts Verdicts in Civil Procedure and Enforcement of Judgments", *Jurisprudence and Islamic Law* 10, No. 18 (2019): 173-200.
[10.22034/LAW.2019.9674](https://doi.org/10.22034/LAW.2019.9674)

Gholizadeh, Ahad. "Analysis of the Principle of Unity of Proceedings in Civil Procedure Law." *Civil Law Knowledge* 5, No. 2 (2016): 107-130.

Hamdi, Hosein, Seyyed Mohammad Sadegh Hosseini, and Elahe Hosseini. "Comparative Study of Time Lapse in Claims for Damages in Aviation." *Journal of Transportation Research* 16, No. 59 (2019): 107-117.

Hasani, Hasan. *Commercial Law*. (Tehran: Mizan, 2001).

Hasani, Hasan. *Cooperation Law*. (Tehran: SAMT, 2002).

Heydarpoor, Alborz. *Limitations of Company Managers in Transactions: A Comparative Study on Iranian and British Law*. (Tehran: Mahzyar, 2003).

Hoveida, Yousef Darvishi "Differing Justices Based on Failing Laws, Conflicting Interpretations and Judicial Opinions on Commercial Documents." *Civil Law Knowledge* 4, No. 2 (2015): 44-58.

Kaviani, Kourosh. *Commercial Documents Law*. (Tehran: Publishing Volume, 2004).

Khajepiri, Abbas. *Commercial Law; Dissolution and Liquidation of Commercial Companies*. (Tehran: Amirkabir Publishing Institute, 2000).

Khazaei, Hosein. *Commercial Law - Commercial Companies - Generalities, Persons' Companies, Limited Liability Companies and Cooperatives - Brief Comparison with the Bill of 1384. Volume 1*. (Tehran: Ghanoon Publication, 2006).

Moezzi, Jafar. "Investigating the Time Lapse in Commercial Insurance." *Insurance Research* 27, No. 4 (2012): 97-112.
<https://doi.org/10.22056/ijir.2012.02.05>

Mohammadi, Jalil. *Commercial Law*. (Tabriz: Foruzesh, 2007).

Mohseni, Saeed, and Seyyed Mohammad Mehdi Ghabouli Dorafshan. "The Concept and Effects of Relative Invalidation." *Journal of Knowledge and Development* 17, No. 33 (2010): 245-271.
<https://doi.org/10.22067/pm.v17i33.27318>

Noori, Jafar, and Abdolrashid Akhondi. "Economic Analysis of Law about the Lapse of Time." *Journal of Private Law Research* 2, No. 5 (2013): 35-61.

Parsaei, Hosein. *Analysis and Evaluation of Civil Liability of the Road Transport Operator in Iranian Law*. (Tehran: Planning and Training Office of the Ministry of Roads and Transportation, 2013).

- Pasban, Mohammad Reza. *Commercial Companies' Law*. (Tehran: SAMT, 2023)
- Raastin, Mansour. *Commercial Law*. (Tehran: Tehran University Press, 1972).
- Sabet Saeedi, Arsalan. *Business Law (for Fields of Social Sciences and Accounting)*. (Tehran: Payame Noor University Press, 2012).
- Safinia, Nouredin. *An Introduction to Commercial Companies Law in Iran*. (Tehran: University of Tehran, 2002).
- Saghri, Mohammad. "Unified Procedure Rule of Row 73/46 of the General Board of the Supreme Court of Iran dated 06/07/1374 and the Extent of the Guarantor's Responsibility in Commercial Documents." *Legal Views* 2, No. 8 (1997b): 234-243.
- Saghri, Mohammad. *Commercial Law, Bankruptcy, Theoretical and Practical*. (Tehran: Enteshaar Company, 1997a).
- Shahidi, Mehdi. *Termination of Commitments*. (Tehran: Shahid Beheshti University Press, 1989).
- Shams, Abdullah. *Civil Procedure. Volume 3*. (Tehran: Derak Publication, ۲۰۰۶).
- Shooshtari, Seyyed Mohammad Hasan Malaekhepour, and Nahid Banirashid. "An Analysis of Article 36 of Insurance Law Approved at 1316." *Insurance Research* 30, No. 2 (2015): 189-220. <https://doi.org/10.22056/ijir.2015.02.08>
- Sotoudeh, Hassan. *Commercial Law. Volume 1*. (Tehran: Dekhoda Publication, 1970).
- Sotoudeh, Hassan. *Commercial law. Volume 4*. (Tehran: Dekhoda Publication, 1971).

Tafreshi, Mohammad Isa. "The Effect of Bankruptcy Judgment on Bankrupt Merchant Transactions According to the Principles and Foundations of Civil Law." *Modarres*, No. 5 (1997): 54-74.

Zanganeh, Abdolhamid Azami. *Commercial Law*. (Tehran: Unnamed, 1974).



#استناد به این مقاله: قلی زاده منقوای، احد. (۱۴۰۳). تحلیل حقوقی ظرف زمانی حق و کاربردهای آن در حقوق تجارت. پژوهش حقوق خصوصی، (۴۶)، ۱۲، ۱۳۹-۱۷۴.

doi: 10.22054/jplr.2024.78917.2829



Private Law Research is licensed under a Creative Commons NonCommercial 4.0 International License.